

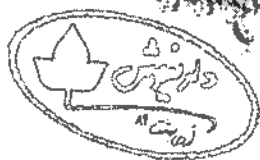
Some letters to anna

انا

هاپی به
نامه

چشم چسب

از مجموعه چشم چسب



پناهی، حسین ۱۳۲۵ - ۱۳۸۳
نامه‌هایی به آنا / حسین پناهی -

تهران: داریوش ۱۳۸۴

ISBN:964-7865-77-5

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

۱. شعر فارسی - قرن ۱۴. الف. عنوان

۸۱۶/۶۲ PIR۷۹۹۲ / ۷۵۲ن

کتابخانه ملی ایران ۸۲-۳۸۵۹۴م

نامه‌هایی به آنا

حسین پناهی

چاپ اول: بهار ۱۳۸۴

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

طرح / عکس / صفحه‌آرایی: مصطفی معظمی

حروفچین: داریوش

لیتوگراف: تندیس

چاپ: نیل

همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشر داریوش: تهران صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۵۱۹۳

شماره‌ی یک: یوسف‌آباد - جنب سینما گلرین، شماره‌ی ۲۸۶ تلفن: ۸۷۱۱۴۶۱

شماره‌ی دو: قلهک - جنب سینما فرهنگ، شماره‌ی ۱۶۹۲ تلفن: ۲۰۰۰۴۰۰

شابک: ۵-۷۷-۷۸۶۵-۹۶۴

ISBN:964-7865-77-5

قیمت: ۸۵۰ تومان

سال شمار زندگی :

1956 / ۱۳۳۵

- حسین پناهی روز ۶ شهریور ماه سال ۱۳۳۵ مطابق با ۲۸ آگوست ۱۹۵۶ در روستای دژکوه از توابع استان کهگیلویه و بویراحمد متولد شد.
- گرچه در کالبدشناسی پس از مرگ و براساس آزمایش DNA زمان تولدش ۶ شهریور ۱۳۳۹ (1960) تشخیص داده شد.
- پدرش علی پناه و مادرش ماه کنیز نام داشت.

1958 / ۱۳۳۷

- فوت پدر.

1962 / ۱۳۴۱

- رفتن به مکتب خانهای دژکوه.

1966 / ۱۳۴۵

- اتمام دوره ی ابتدایی .

1967 / ۱۳۴۶

• ترک درکوه، رفتن به سوق.

• خواندن کلاس ششم.

1968 / ۱۳۴۷

• رفتن به بهبهان و گرفتن سیکل.

1972 / ۱۳۵۱

• رفتن به قم و طلبگی.

1975 / ۱۳۵۴

• رها کردن درس حوزه.

• سفر به شوشتر و یک سال آموزگاری در آن شهر.

1976 / ۱۳۵۵

• اقامت در اهواز و اشتغال به شغل‌های مختلف.

1977 / ۱۳۵۶

• بازگشت به روستای درکوه و ازدواج. نام همسر شوکت.

1978 / ۱۳۵۷

• رفتن به اهواز و کار در کتابخانه‌یی در آن شهر.

• تولد فرزندی نخست (لیلا).

1980 / ۱۳۵۹

• رفتن به جبهه و فعالیت در بخش‌های فرهنگی.

• تولد دومین فرزند (آنا).

1981 / ۱۳۶۰

• مهاجرت به تهران.

• سکونت در یکی از مقبره‌های خصوصی امامزاده قاسم به مدت یک سال.

• عضویت در گروه تئاتری آناهیتا.

1982 / ۱۳۶۱

• نخستین تجربه‌های نمایش‌نامه‌نویسی.

• نوشتن یک گل و بهار.

• کارگردانی نمایش خوابگردها.

1983 / ۱۳۶۲

- نوشتن آسانسور.
- نوشتن و کارگردانی تله‌تئاتر سرودی برای مادران.

1984 / ۱۳۶۳

- تولد سومین فرزند (سینا).
- نخستین تجربه‌های بازی در تله‌تئاترهای تلویزیونی.
- بازی در سریالی محله‌ی بهداشت.
- نوشتن به سبک آمریکایی.

1985 / ۱۳۶۴

- استخدام در صدا و سیما.
- بازی در سریالی گرگ‌ها.
- نوشتن دل‌شیر.
- نوشتن دو مرغابی در مه.

1986 / ۱۳۶۵

- نخستین بازی در سینما.
- بازی در فیلم سینمایی گال.
- بازی در فیلم سینمایی گذرگاه.
- بازی در فیلم سینمایی تیرباران.
- بازی در تله‌تئاترهای دو مرغابی در مه و آسانسور.

1987 / ۱۳۶۶

- کارگردانی سریالی تلویزیونی ماجراهای رونالد و مادرش.
- بازی تله‌تئاتر در آینه‌ی خیال.

1988 / ۱۳۶۷

- نوشتن نخستین شعرها.
- بازی در فیلم سینمایی در مسیر تندباد.
- بازی در فیلم سینمایی هی‌جو.
- بازی در فیلم سینمایی ارفیه.
- بازی در فیلم سینمایی نار و نی.

1989 / ۱۳۶۸

- فوتِ مادر.
- بازی در فیلم سینمایی رازِ کوکب.
- نوشتن مجموعه‌ی هنرِ نازی.

1990 / ۱۳۶۹

- بازی در فیلم سینمایی چاوش.
- بازی در فیلم سینمایی سایه‌ی خیال.
- دیپلم افتخارِ بهترین بازیگرِ جشنواره‌ی فجر برای فیلم سایه‌ی خیال.
- نوشتن پیامبرانِ بی‌کتاب.

1991 / ۱۳۷۰

- بازی در فیلم سینمایی اوینار.
- بازی در فیلم سینمایی مردِ ناتمام.
- بازی در فیلم سینمایی مهاجر.
- نوشتن کابوس‌های روسی.

1992 / ۱۳۷۱

- نوشتن گوشِ بزرگِ دیوار.
- بازی در فیلم سینمایی هنرپیشه.

1993 / ۱۳۷۲

- نوشتن خروس‌ها و ساعت‌ها.
- انتشارِ کتابِ هنرِ نازی.

1994 / ۱۳۷۳

- بازی در فیلم سینمایی آرزوی بزرگ.
- بازی در فیلم سینمایی روزِ واقعه.

1995 / ۱۳۷۴

- نوشتن، بازی و کارگردانی سریالِ بی‌بی‌یون برای تلویزیون.
- سریال توقیف و چند سال بعد نسخه‌ی قیچی شده‌ی آن از تلویزیون نمایش داده می‌شود. چیزی در حدود دو سومِ کلی مجموعه!
- انتشارِ دو مرغابی در مه.

1996 / ۱۳۷۵

● انتشار آلبومی از دکلمه‌ی شعرهایش با نام «ستاره‌ها».

● بازی در سریال دزدانِ مادرِ بزرگ.

1997 / ۱۳۷۶

● به صحنه بُردن نمایش چیزی شبیه زندگی.

● انتشار چیزی شبیه زندگی.

● انتشار بی‌بی‌یون.

● انتشار خروس‌ها و ساعت‌ها.

1998 / ۱۳۷۷

● بازی در فیلم سینمایی کشتی یونانی از مجموعه‌ی قصه‌های کیش.

1999 / ۱۳۷۸

● نوشتن دیالوگ‌های سریالِ امام علی و بازی در آن.

2000 / ۱۳۷۹

● بازی در سریالِ یحیا و غلابتون.

2001 / ۱۳۸۰

● بازی در سریالِ آرژانتین دوستی.

2002 / ۱۳۸۱

● نوشتن مجموعه تمی‌دانم‌ها.

2003 / ۱۳۸۲

● بازی در سریالِ آوازِ مه.

● نوشتن مجموعه‌ی سال‌هاست که مُرده‌ام.

2004 / ۱۳۸۳

● آغاز ضبط آلبومِ دومِ دکلمه‌هایش از خرداد ماه.

● تصمیم برای جمع‌آوریِ مجموعه‌ی کاملِ شعرهایش.

● پایانِ ضبطِ دکلمه‌ی شعرهایش در شبِ یکشنبه یازدهمِ امرداد.

● آخرین تماسِ تلفنی با پسرش سینا در ساعتِ نه شبِ چهارشنبه ۱۳ امرداد.

● فوت: ۱۴ امرداد ۱۳۸۳

● کشفِ پیکرِ متلاشی شده‌اش توسطِ دخترش آنا در ساعتِ ده شبِ شنبه ۱۷

اُمرداد در خانه‌اش واقع در خیابان جهان‌آرا.

- علت فوت: ایست قلبی (به گواهی پزشکی قانونی جمهوری اسلامی ایران)
- تدفین پیکرش در درگوه به تاریخ سه شنبه ۲۱ اُمرداد.
- انتشار آلبوم دکلمه‌ی آخرین سروده‌هایش با نام سلام، خدا حافظ توسط موسسه فرهنگی هنری دارینوش در پانزدهم مهر ماه.
- انتشار هفت دفتر و مجموعه‌ی کامل اشعارش با نام چشمِ چپ سگ توسط موسسه فرهنگی هنری دارینوش در اردیبهشت ۸۳.



یغماگری

در کودکی...

در کودکی نمی‌دانستم که باید از زنده بودنم خوش‌حال باشم یا نباشم! چون هیچ موضوع‌گیری خاصی در برابر زندگی نداشتم!

فارغ از قضاوت‌های آرتیستیک در رنگین‌کمانِ حیاتِ نره‌یی بودم که می‌درخشیدم! آن روزها میلیون‌ها مشغله‌ی دل‌گرم‌کننده در پس‌اندازِ ذهن داشتم! از هیأتِ گل‌ها گرفته تا مهندسیِ سگ‌ها، از رنگ و فرمِ سنگ‌ها گرفته تا معمایِ باران‌ها و ابرها، از سیاهیِ کلاغ گرفته تا سرخیِ گلِ انار، همه و همه دل‌مشغولی‌های شیرینِ ساعاتِ بیداری‌ام بودند! به سماجتِ گاو‌ها برای معاش، زمین و زمان را می‌کاویدم و به سادگیِ بلدرچین سیر می‌شدم.

گذشتِ ناگزیرِ روزها و تکرارِ یکنواختِ خوراکی‌های حواس، توقعم را بالا برد! توقعاتِ بالا و ایده‌های محال مرا دچارِ کسالتِ روحی کرد و این در دورانِ نوجوانیم بود! مشکلاتِ راهِ مدرسه، در روزهایِ بارانیِ مجبورم کرد به خاطرِ پایا و کفش‌هایم به بارانِ باهمیِ عظمتش بدبین شوم و حفظ کردنِ فرمولِ مساحت‌ها، اهمیتِ دادنِ به سبزه قبا را از یادم برد! هرچه بزرگتر شدم به دلیلِ خودخواهی‌های طبیعی و قراردادهای اجتماعی از فراغتِ آن روزگارِ طلایی دور و دورتر افتادم!